

آیا طلاق در مسیحیت محدود به خیانت همسر است؟ (متی فصل ۱۹ آیه ۹)

قسمت اول

متاسفانه امروزه طلاق به امری شایع و معمول تبدیل شده. مثلاً در دهه ۱۹۲۰ در آمریکا، میزان طلاق ۱۴ درصد بود. این آمار در دهه ۱۹۷۰ به ۵۰ درصد رسید. امروزه در ایالات متحده، بیش از ۷۰ درصد از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد.

هدف خدا از بنیاد ازدواج و خانواده، وفاداری متقابل بود و نه جدایی و طلاق. خدا ازدواج را امری دائمی تلقی می‌کند: ” در آغاز خلقت خدا، مرد و زن را آفرید و دستور داد مرد (و زن) از پدر و مادر خود جدا شود و برای همیشه به یکدیگر بپیوندند، و با او یکی شود. آن دو نفر دیگر دو تن نیستند، بلکه یک تن. هیچ انسانی حق ندارد آن دو را که خدا به هم پیوسته است، جدا کند” (متی فصل ۱۹ آیات ۱-۶). هم چنین به پیدایش فصل ۲ آیات ۲۱-۲۴ رجوع کنید.

طبق حکم شریعت یهود، طلاق هنگامی مجاز بود که زن و شوهر نتوانند با یکدیگر سازش داشته باشند (تثنیه فصل ۲۴ آیه ۱). این در حالی است که قانون اولیه در دوران آدم و حوا از طلاق سخنی به میان نمی‌آورد (پیدایش فصل ۲ آیات ۱۸-۲۵)، زیرا ازدواج اتحادی فیزیکی است و فقط دو علت دیگر فیزیکی دیگر می‌توانند آن اتحاد را باطل سازند: مرگ یا زنا. در شریعت یهود، مرد یا زن زناکار اعدام می‌گردید. بنابراین زنا علت طلاق نبود، زیرا زناکار سنگسار می‌شد (تثنیه فصل ۲۲ آیه ۲۲).

حکم شریعت برای طلاق چنین بود: ” اگر مردی پس از ازدواج با زنی، به عللی از او راضی نباشد، طلاق نامه‌ای نوشته و به او داده و رهاش سازد” (تثنیه فصل ۲۴ آیه ۱). ” طلاق نامه” سند رسمی بود که زن را از تهمت و بدرفتاری اطرافیان محافظت می‌کرد و به او اجازه می‌داد تا مجدداً ازدواج کند.

در دوران مسیح، استنباط و تفسیر رهبران یهودی از این حکم آن بود که طلاق یعنی آنچه مورد پسند شوهر نباشد. اما مسیح به هنگام مباحثه با رهبران یهود روشن کرد که طلاق حکم شریعت نبود، بلکه به علت سختدلی انسان، طلاق مجاز گردید (متی فصل ۱۹ آیه ۸). سپس مسیح در ادامه فرمود که طلاق فقط در صورت زنا (خیانت همسر) مجاز است (آیه ۹). به عبارت دیگر، عیسی حکم اعدام زناکار توسط کلیسا را صادر نکرد، بلکه طلاق را برابر با مرگ دانست. وقتی زن یا شوهری به علت خیانت همسرش، جدایی را برگزید، می‌تواند دوباره ازدواج نماید.

این مطلب ادامه دارد.

نویسنده: کشیش مهران پورپشنگ